

## ارزیابی رابطه بین محافظه کاری و ریسک ورشکستگی با استفاده از مدل اولسون در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

هوشنگ امیری<sup>۱</sup>، عبدالناصر بلاژ<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان

<sup>۲</sup>دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل خرمشهر - خلیج فارس

ایمیل نویسنده مسئول:

a.belazh@yahoo.com

### چکیده

در این تحقیق به ارزیابی رابطه بین محافظه کاری و ریسک ورشکستگی با استفاده از مدل اولسون در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای انجام این تحقیق نمونه ای از ۱۰۲ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش نمونه گیری سیستماتیک انتخاب گردیده است. متغیرهای پژوهش مورد شناسایی قرار گرفته و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات، از داده های به دست آمده از نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی اداره آمار شرکت بورس، برای محاسبه متغیرهای پژوهش از نرم افزار Excel استفاده شده است. این داده ها جهت آزمون فرضیه ها توسط نرم افزار Spss به کمک آماره های توصیفی و استنباطی نظیر تحلیل همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

داده ها از بین سالهای ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۲ گردآوری و مورد آزمون قرار گرفته اند که از تعداد ۶۰۴ سال- شرکت تعداد ۲۶۹ داده سال توسط مدل اولسون ورشکسته تشخیص داده شدند. نتایج حاکی از این مطلب بود که بین محافظه کاری و ریسک ورشکستگی با استفاده از مدل اولسون رابطه معنی داری به صورت معکوس وجود دارد.

### واژگان کلیدی

محافظه کاری، ریسک ورشکستگی، مدل اولسون

## مقدمه

اطلاعات حسابداری در صورت های مالی متجلی می گردد، سرمایه گذاران همیشه به طور ثابت و یکنواخت از اطلاعات حسابداری استفاده می کنند بدون آن که این اطلاعات را از نظر تغییرات انجام شده در روش های حسابداری تعدیل کنند و یا به نحوه محاسبه آن توجهی داشته باشند (هندریکسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲). از جمله مهمترین اطلاعات حسابداری، صورت سود و زیان است. سرمایه گذاران بیشترین توجه خود را به سود خالص به عنوان آخرین قلم اطلاعاتی صورت سود و زیان معطوف می کنند. سود به عنوان نتیجه نهایی فرآیند حسابداری که این قدر مورد توجه و تاکید استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری است، تحت تاثیر رویه های حسابداری که مدیریت انتخاب کرده محاسبه می گردد. امکان انتخاب رویه های حسابداری به مدیریت فرصت می دهد تا در مورد زمان شناخت و اندازه گیری هزینه ها و درآمد تصمیم گیری کند. مدیریت انگیزه دارد با به کارگیری رویه های غیرمحافظة کارانه حسابداری، رشد سود شرکت را ثبات بخشد. این امر باعث افزایش انتظار سهام داران در سنوات آتی می گردد (واتز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

توجه به این نکته از سوی مدیران شرکت ها و تصمیمات سرمایه گذاران موثر است. وجود اطلاعات محرمانه مدیران و عدم دقت در اطلاعات گزارش شده باعث افزایش ریسک اطلاعات خواهد شد. احتمال ورشکستگی تحت تاثیر ریسک اطلاعات قرار دارد. ریسک اطلاعات بستگی به میزان اطلاعات محرمانه و عدم دقت اطلاعات عمومی ارائه شده دارد. هرچه میزان اطلاعات نامتقارن بیشتر و دقت اطلاعات ارائه شده کمتر باشد، ریسک ورشکستگی بیشتر خواهد بود (واتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳).

برای اینکه سود گزارش شده بتواند در ارزیابی عملکرد و توان سودآوری یک شرکت به استفاده کنندگان کمک کند و سرمایه گذاران با اتکا به اطلاعات سود، تصمیم های درست اتخاذ کنند ارائه اطلاعات باید به نحوی باشد که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن کند و در سنجش توان سودآوری و پیش بینی توان سودآوری موثر باشد.

## ادبیات پژوهش

### تعاریف مختلف محافظه کاری

قاعده اقل بهای تمام شده یا بازار برای حسابداری موجودی کالا (بولتن تحقیقاتی حسابداری شماره<sup>۴</sup> ۴۵، کمیته رویه های حسابداری ۱۹۵۵) شناسایی نامتقارن نتایج مورد انتظار آتی عملیات متوقف شده (هیات اصول حسابداری، بیانیه شماره ۴۳۰) و کاهش ارزش دارایی های ثابت برای انعکاس نابایی آنها، و در عین حال عدم تجدید ارزیابی بابت افزایش ارزش آنها (بیانه شماره<sup>۵</sup>، هیات اصول حسابداری) بنابراین محافظه کاری منجر به افزایش احتمال شناسایی سریع تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب می شود. در مقابل، برخی محافظه کاری را به طور وسیع تر و به عنوان، ترجیح رویه های حسابداری که باعث گزارش پایین تری برای حقوق صاحبان سهام می شود، تفسیر نموده اند. به طور مثال، بلکویی<sup>۶</sup> (۱۹۸۵) ادعا می نماید که محافظه کاری "دلالتهای بر این موضوع دارد که ترجیحاً کمترین مقادیر برای بدهی ها و هزینه ها باید گزارش شوند" در سطح مفهومی، هیات استانداردهای حسابداری مالی (بیانیه مفاهیم شماره ۲، پاراگراف ۹۵) این دیدگاه را با بیان این عبارت رد می کند: "محافظه کاری از این پس، تعویق شناسایی درآمدها تا زمانی که شواهد کافی از وجود آنها در دسترس باشد یا توجیه شناسایی زیان ها پیش از اینکه شواهد کافی از به وقوع پیوستن آنها وجود داشته باشد را ضروری نمی داند" این دیدگاه از محافظه کاری ظاهراً با رویه های حسابداری ناسازگار می باشد. برای مثال، اکثر شرکت های آمریکایی از روش خط مستقیم به

- 1-Hendriksen, E.S
- 2-Watts, R.L
- 3- ARB 45
- 4- Opinion 30
- 5- Opinion 6
- 6- Belkaoui

جای روش های تسریعی استفاده می نمایند. تحقیقات پیشین برای نشان دادن انواع محافظه کاری، روش های حسابداری متفاوتی را مد نظر قرار داده اند (باسو<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷).

با این حال، تعاریف ارائه شده مبهم هستند، زیرا مجموع درآمد های یک شرکت در طی عمر مفید (یا یک چرخه تجاری کامل)، فارغ از روش های انتخابی حسابداری، باید یکسان باشد. بنابراین مواردی که طی دوره ای منجر به محافظه کاری می شوند، ممکن است در دوره های متعاقب نتایج غیر محافظه کارانه ای را به همراه داشته باشند.

گرچه محافظه کاری به طور وسیعی بر ارزش دفتری خالص دارایی ها و سود خالص تاثیر می گذارد، ولی حسابداران اغلب بر شکل های (شیوه های) محدودی از محافظه کاری تمرکز می نمایند. برای مثال انتخاب روش های استهلاک تسریعیدر مقابل روش خط مستقیم، سرمایه ای کردن یا هزینه کردن فوری مخارج تحقیق و توسعه، یا قاعده اقل بهای تمام شده و ارزش بازار در رابطه با موجودی کالا، از جمله روش های انتخابی حسابداری محافظه کارانه می باشند. با این حال پژوهش های تجربی معمولاً بر ساختارهای محافظه کاری گسترده تری تکیه می کنند که منعکس کننده تاثیر انباشته انتخاب های حسابداری مدیران، شامل عدم تقارن اطلاعاتی، مفروضات و برآوردهای آن ها نیز می باشد (احمد و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲).

باسو<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) محافظه کاری را به عنوان تمایل حسابداران در الزام درجه بالاتری از تاییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد در صورت های مالی تفسیر می کند. در تفسیر او از محافظه کاری، سودها اخبار بد را در مقایسه با اخبار خوب سریع تر منعکس می کند. برای مثال، زیان های عملیاتی تحقق نیافته نسبت به سودهای عملیاتی تحقق نیافته زودتر شناسایی می گردد. این عدم تقارن در شناسایی به تفاوت های سیستماتیک بین دوره های اخبار بد و اخبار خوب در به موقع بودن سودها و دوام سودها منجر می شود.

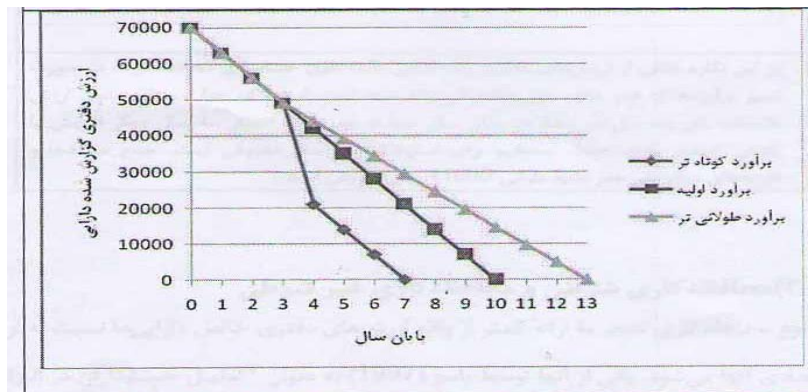
نمودار ۱ و ۲، پیش بینی های باسو (۱۹۹۷) را تشریح می کند. شرکتی را در نظر بگیرید که اخبار جدیدی را دریافت می کند و برآورد شرکت را از عمر مفید یک دارایی ثابت تغییر می دهد. نگاره ۱، تاثیر این اخبار را بر ارزش دفتری گزارش شده آن دارایی، و نمودار ۲، تاثیر مربوطه بر سودها شرکت را نشان می دهد. اگر عمر مفید جدید برآوردی طولانی تر باشد، شرکت از نظر اقتصادی وضع بهتری خواهد یافت ولی طبق حسابداری بهای تمام شده تاریخی در حال حاضر هیچ سود عملیاتی ثبت نمی گردد. در عوض، هزینه های استهلاکی را که باید در دوره های جاری و آتی به حساب گرفته شوند، طی عمر باقی مانده جدید پخش می شوند، در نتیجه به ترتیب آنچنان که در نمودار ۱ و نگاره ۲ مشخص است، هزینه های استهلاک کمتر و درآمد بیشتر می گردد. اگر عمر مورد انتظار کاهش یابد، یک برخورد متقارن هزینه های استهلاک را طی کل عمر باقی مانده کوتاه تر افزایش می دهد.

7- Basu

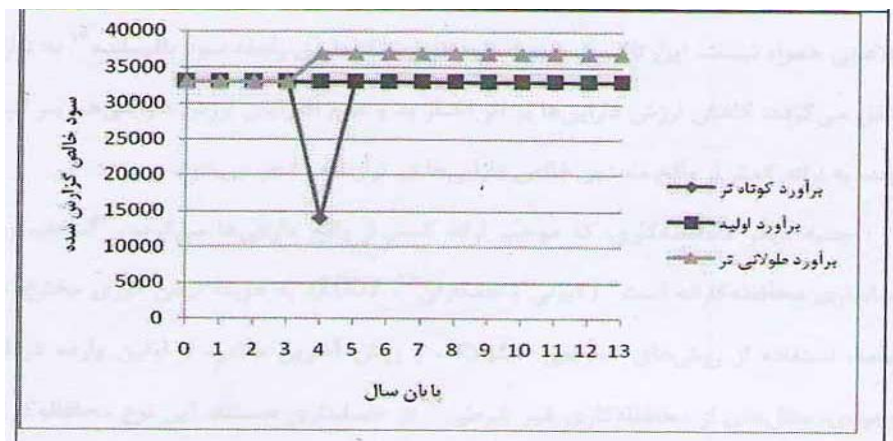
8- Ahmad et al

9- Basu

### نمودار ۱ تاثیر اخبار جدید بر ارزش دفتری دارایی



### نمودار ۲ تاثیر اخبار جدید بر سودها شرکت



### محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیر شرطی<sup>۱۰</sup>

دو نوع محافظه کاری منجر به ارائه کمتر از واقع ارزش های دفتری خالص دارایی ها نسبت به ارزش های اقتصادی آنها می شود. یکی از آنها توسط باسو<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) به عنوان "تمایل حسابداران در الزام درجه بالاتری از تایید پذیری برای شناسایی اخبار خوب نسبت به اخبار بد در صورتهای مالی" تعریف می شود. تایید پذیری نامتقارن، به شناسایی به موقع زیانهای عملیاتی اقتصادی و عدم شناسایی به موقع سودهای عملیاتی اقتصادی منتهی می گردد. قاعده اقل بهای تمام شده یا بازار و کاهش ارزش دارایی ها، مثال هایی از این نوع محافظه کاری است. به وسیله شناسایی به موقع زیان عملیاتی، سود گزارش شده در صورت سود (زیان)، موجب افزایش محتوای اطلاعاتی صورت سود (زیان) برای استفاده کنندگان علاقمند به ریسک های نامطلوب شرکت (از جمله اعتبار دهندگان) می شود در حالی که برای استفاده کنندگان علاقمند به پتانسیل (توان های بالقوه) افزایشده شرکت، با افزایش محتوای اطلاعاتی همراه نیست. این تاثیر بر صورت سود (زیان) از طریق رابطه سود باقی مانده به ترانزنامه نیز منتقل می گردد. کاهش ارزش دارایی ها بر اثر اخبار بد و عدم افزایش ارزش دارایی ها بر اثر اخبار خوب، به ارائه کمتر از واقع مستمر خالص دارایی ها در ترانزنامه منجر می شود.

<sup>10</sup> Unconditional Conservatism

<sup>11</sup> Basu

هر دو نوع محافظه کاری موجب ارائه کمتر از واقع ارزش دارایی ها می گردند، ولی تفاوت آنها در توان شان در القاء اطلاعات جدید در صورت های مالی است (بال و شیواکومار<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۵). شناسایی به موقع زیان های عملیاتی مشروط به نوع اخبار بوده و موجب ارائه کمتر از واقع خالص دارایی ها می شود. در

### فرضیه های تحقیق

**فرضیه تحقیق:** بین محافظه کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی طبق مدل اولسون ارتباط معنادار وجود دارد.

### متغیر های تحقیق

متغیر های این تحقیق عبارتند از:

#### جدول ۱. متغیر های تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	فرضیه
ریسک ورشکستگی طبق مدل اولسون	محافظه کاری حسابداری	۱

### گرد آوری داده ها

اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش از صورتهای مالی و یادداشت های پیوست صورتهای مالی و همچنین از اطلاعات اولیه تابلوی بورس (گردآوری شده در نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی اداره آمار شرکت بورس) استفاده شده است.

### جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که حایز شرایط زیر باشند: جزء شرکتهای تولیدی باشند.

در سال ۱۳۸۶ یا قبل از آن در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

سال مالی شرکت ها طی کل دوره قلمرو زمانی تحقیق به پایان اسفند ماه ختم شوند.

اطلاعات مورد نیاز برای اندازه گیری متغیرهای این تحقیق را افشا نموده باشند.

توقف معاملاتی بیش از ۳ ماه نداشته باشد.

که در مجموع با شرایط در نظر گرفته شده تعداد ۱۰۲ شرکت به عنوان شرکتهای نمونه مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج

برآورد مدل لاجیک با نرم افزار Eviews

$$Y_i = \beta_0 + \beta_1 X_{1i} + \beta_2 X_{2i} + \beta_3 X_{3i} + \beta_4 X_{4i} + \beta_5 X_{5i} + e_i$$

جدول مربوط به آزمون مدل (۲) به روش لاجیک

متغیر وابسته: ریسک ورشکستگی (Y)		متد: ML-BinaryLogit		تعداد مشاهدات: ۶۰۴		Sample : ۱۳۸۷-۱۳۹۲		
نتیجه	prob	آزمون Z	خطای معیار	ضریب بتا	متغیر			
معنادار است	۰/۰۳۱	-۲/۱۵	۰/۰۵۹۵	-۱/۲۸	محافظه کاری			
معنادار است	۰/۰۰۱	۴/۰۷	۰/۷۶۹	۳/۱۳	اهرم مالی			
معنادار است	۰/۰۰۷	-۲/۳۲	۰/۰۵۱	-۰/۱۱۹	اندازه شرکت			
معنادار است	۰/۰۰۱	۲/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	رشد فروش			
معنادار است	۰/۰۰۱	-۸/۲۵	۱/۵۶	-۱۲/۹۰	سود آوری			
معنادار نیست	۰/۰۸۶	-۱/۷۱	۰/۸۹۸	-۱/۵۴	ضریب ثابت			
۰/۱۵۹	ضریب تعیین مک فادن (McFadden R-squared)							
۱/۱۷	آکایکه <sup>۱۳</sup> (ACI)							
۱/۲۲	شوارتز <sup>۱۴</sup> (SC)							
۱/۱۹	هنان گوئن <sup>۱۵</sup> (HQ)							
۱۳۰/۲۵	LR statistic							
۰/۰۰۱	Prob(LR statistic)							
۲۶۹	۴۵/۴۳	شرکت های ورشکسته در طی ۶ سال				کل مشاهدات ۶۰۴		
۳۳۵	۵۶/۵۷	شرکت های غیر ورشکسته در طی ۶ سال						

با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره فوق از آنجایی که احتمال آماره Z برای ریسک ورشکستگی با توجه به مدل اولسون در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار می باشد، بنابر این فرضیه فوق پذیرفته می شود و چنین مشاهده می شود محافظه کاری حسابداری و ریسک ورشکستگی طبق مدل اولسون ارتباط معنادار وجود دارد جهت رابطه بین محافظه کاری و ریسک ورشکستگی منفی

<sup>13</sup>.Akaike

<sup>14</sup>. Schwarz

<sup>15</sup>..Hannan - Quinn

و معکوس است، با سود آوری منفی و معکوس، با اندازه شرکت منفی و معکوس، با اهرم مالی مثبت و مستقیم و با رشد فروش مثبت و مستقیم است. در واقع اینگونه برآورد می شود ضریب منفی محافظه کاری نشان می دهد به میزان افزایش در محافظه کاری ریسک ورشکستگی کاهش می یابد یعنی کاهش محافظه کاری حسابداری عاملی تاثیر گذار در بوجود آمدن ریسک ورشکستگی طبق مدل اولسون می باشد.

و به میزان کاهش در اندازه شرکت ریسک ورشکستگی افزایش می یابد. در خصوص رشد فروش نیز نشان داده شده است رشد فروش بیشتر نشان دهنده ریسک ورشکستگی است. در متغیر اهرم مالی نشان داده شد با افزایش اهرم مالی شرکت ریسک ورشکستگی افزایش می یابد. در خصوص سود آوری نیز نشان داده شد هر چه سود آوری بیشتر باشد ریسک ورشکستگی کمتر است.

با توجه به ضریب تعیین مک فادن مدل برازش شده، می توان ادعا کرد ۱۵/۹ درصد از تغییرات مربوط به ریسک ورشکستگی توسط محافظه کاری حسابداری و سایر متغیرهای کنترلی داخل مدل تبیین می شود و ۷۴/۱ درصد توسط سایر متغیرها تبیین می شود که این میزان پیش بینی با توجه به تابع LR (LR=۱۳۰/۲۵) در سطح آلفای ۰.۵٪ معنادار است. همچنین میزان آکایکه (ACI) و هنان کوئن (HQ) نسبتا پایین است که این نشان می دهد مدل از برازش خوبی برخوردار بوده است.

#### برآورد مدل لاجیک با نرم افزار spss

جدول ۴: مربوط به رده بندی متغیرها

درصد صحیح	بر طبق مدل اولسون	
	مشاهدات مربوط به شرکت های غیر ورشکسته	مشاهدات مربوط به شرکت های ورشکسته
۱۰۰/۰	۳۳۵	۲۶۹

جدول فوق مربوط به مشاهده می باشد همانطور که مشاهده می شود از ۶۰۴ مشاهده ۲۶۹ مشاهده ورشکسته و ۳۳۵ مشاهده غیر ورشکسته می باشد.

جدول ۵: مربوط به درصد پیش بینی مدل اولسون

درصد صحیح	بر طبق مدل اولسون		مشاهده
	شرکت های غیر ورشکسته	شرکت های ورشکسته	
٪۶۸	۸۶	۱۸۳	ورشکسته
٪۷۱/۶	۲۴۰	۹۵	غیر ورشکسته
٪۷۰	-	-	درصد کلی

همانطور که مشاهده می شود مدل اولسون از ۲۶۹ مشاهده که ورشکست اعلام شده بودند ۱۸۳ مشاهده را ورشکسته و ۸۶ مشاهده را غیر ورشکسته پیش بینی می کند و از ۳۳۵ مشاهده ای که غیر ورشکسته اعلام شده بود ۲۴۰ مشاهده را غیر ورشکسته و ۹۵ مشاهده را ورشکسته پیش بینی می کند. در واقع قدرت پیش بینی مدل اولسون با در نظر گرفتن محافظه کاری ۷۰ درصد می باشد.

جدول ۶ آزمون های مربوط به میزان تطابق مدل با داده های مشاهده شده

آزمون omnibus			Nagelkerke Square	COX & Snell R Square	حداکثر درست‌نمایی
معناداری	درجه آزادی	خی دو			
۰/۰۰۱	۵	۱۳۰/۲۹	۰/۲۶۰	۰/۱۹۴	۶۹۹/۸۰

جدول فوق آماره مفیدی را ارائه می دهد که با ضریب تعیین (R2) رگرسیون برابر است. در واقع آماره COX & Snell R Square برابر با ۰/۱۹۴ و آماره Nagelkerke Square برابر با ۰/۲۶۰ می باشد که نشان می دهد مدل بین ۱۹/۴ درصد و ۲۶ درصد از واریانس را تبیین می کند. آزمون omnibus نشان می دهد میزان خی دو در سطح آلفای ۵ صدم معنادار است و این مسئله بیانگر این است که مدل لوجستیک به خوبی عمل کرده است.

جدول ۷: ضرایب معادله لوجیک

معادله لوجیک	B	خطای معیار	والد	درجه آزادی	سطح معناداری	Exp(B)
محافظه کاری	-۱/۲۸	۰/۵۹۵	۴/۶۴	۱	۰/۰۳۱	۰/۲۷۷
اهرم مالی	۳/۱۳	۰/۷۶۹	۱۶/۵۶	۱	۰/۰۰۱	۲۲/۸۹
اندازه شرکت	-۰/۱۲۰	۰/۰۱۶	۳/۲۸	۱	۰/۰۴۷	۰/۸۸۷
رشد فروش	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۳/۰۳	۱	۰/۰۱۳	۰/۹۹۸
سودآوری	-۱۲/۹۰	۱/۵۶	-۶۸/۰۵	۱	۰/۰۰۱	۴۰/۷۱
عرض از میداء	-۱/۵۲	۰/۹۰۲	۲/۸۷	۱	۰/۰۹۰	۰/۲۱۷

جدول فوق ضرایب معادله لوجیک را نشان می دهد. ضریب B برای همه متغیر ها در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است. ضریب منفی محافظه کاری و اندازه شرکت نشان می دهد به میزان افزایش در محافظه کاری ریسک ورشکستگی کاهش می یابد یعنی کاهش محافظه کاری حسابداری عاملی تاثیر گذار در بوجود آمدن ریسک ورشکستگی طبق مدل اولسون می باشد. و به میزان کاهش در اندازه شرکت ریسک ورشکستگی افزایش می یابد. در خصوص رشد فروش نیز نشان داده شده است رشد فروش بیشتر نشان دهنده ریسک ورشکستگی است. در متغیر اهرم مالی نشان داده شد با افزایش اهرم مالی شرکت ریسک ورشکستگی افزایش می یابد. در خصوص سود آوری نیز نشان داده شد هر چه سود آوری بیشتر باشد ریسک ورشکستگی کمتر است.

بر طبق ضرایب مورد انتظار می توان گفت شانس پیش بینی شده برای ریسک ورشکستگی به ازاء هر واحد تغییر در متغیر مستقل (محافظه کاری) است، افزایش مقدار متغیر پیش بین (محافظه کاری) به افزایش شانس رویداد (ریسک ورشکستگی) وابسته است. بنابراین هر میزان به محافظه کاری اضافه شود احتمال ریسک ورشکستگی ۰/۲۷۷ افزایش می یابد.

### نتیجه گیری

نتایج این تحقیق را می توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه فوق نشان داد با افزایش در محافظه کاری ریسک ورشکستگی کاهش می یابد یعنی کاهش محافظه کاری حسابداری عاملی تاثیر گذار در بوجود آمدن ریسک ورشکستگی طبق مدل اولسون می باشد. نتایج بدست آمده از این رابطه با توجه به دیدگاه واتز (۲۰۰۳) قابل تبیین است، ایشان معتقد است که اگر قراردادهای شرکت با گروه های مختلف مانند سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان براساس ارقام حسابداری تنظیم شود، آن گاه به علت وجود تضاد منافع میان



مدیران و آن گروه ها، مدیران شرکت ها سعی خواهند کرد تا با انجام رفتار های جانبدارانه، آن ارقام را به نفع خود دستکاری نمایند. مثلاً سود و یا دارایی ها را افزایش و بدهی ها را کاهش می دهند. در این میان، محافظه کاری به عنوان یک مکانیزم قراردادی موثر از طریق به تأخیر انداختن شناخت سود و دارایی و شناخت به موقع زیان و بدهی، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی می کند. از این رو می توان استدلال نمود میان محافظه کاری حسابداری و ورشکستگی رابطه وجود دارد

۲- در خصوص سایر متغیر ها نیز نشان داده شد، اندازه شرکت و ریسک ورشکستگی نشان داده شد به میزان کاهش در اندازه شرکت ریسک ورشکستگی افزایش می یابد. نتایج بدست آمده با پژوهش پومپ و بیلدریک (۲۰۰۵) همسو می باشد. ایشان به مطالعه پیش بینی ورشکستگی شرکت هایی با اندازه متوسط و کوچک با استفاده از روش تحلیل تمایز چندگانه و شبکه های عصبی پرداختند. آنها نتیجه گرفتند که مدلهای به دست آمده برای شرکت های جوان و شرکت های با عمر بالاتر با هم تفاوت دارند زیرا پیش بینی ورشکستگی شرکت های جوان دشوارتر است.

نتایج حاصل از رشد فروش نیز نشان داده شده رشد فروش بیشتر نشان دهنده ریسک ورشکستگی است. در متغیر اهرم مالی نشان داده شد با افزایش اهرم مالی شرکت ریسک ورشکستگی افزایش می یابد. در خصوص سود آوری نیز نشان داده شد هر چه سود آوری بیشتر باشد ریسک ورشکستگی کمتر است.

#### منابع و ماخذ

۱. اسکینی، رضا، ۱۳۸۳، "حقوق تجارت"، انتشارات سمت.
۲. افتخاری، جواد، ۱۳۷۹، "حقوق تجارت -۴- (نظری و کاربردی) ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی"، انتشارات ققنوس.
۳. اکبری، فضل اللهو مصطفی علی مدد، ۱۳۷۹، "بررسی تحلیلی با استفاده از تجزیه و تحلیل در حسابرسی"، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، نشریه ۱۴۳.
۴. بنی مهد، بهمن مهدی مرادزاده فرد، مهدی دیندار یزدی ۱۳۹۰ " بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی " مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم / شماره هشتم / بهار ۱۳۹۰
۵. بنی مهد، بهمن، و تهمین باغبانی، ۱۳۸۸، " اثر محافظه کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت ها "، فصل نامه بررسی های حسابداری و حسابرسی شماره ۵۸ صص ۷۰-۵۳.
۶. تهرانی، سمیه، ۱۳۸۴، "حقوق تجارت"، جلد چهارم، انتشارات ققنوس.
۷. رهنمای رودپشتی، فریدون و همکاران، ۱۳۸۵، "مدیریت مالی راهبردی (ارزش آفرینی)"، انتشارات کسا و کاوش.
۸. ساربان، فاطمه ۱۳۹۱ "تاثیر محافظه کاری مشروط و نامشروط بر خطای پیش بینی سود" پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اراک
۹. مهران ساسان، محمد مرادی و هدی اسکندر، ۱۳۸۹ " رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه " مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره اول، شماره پیاپی ( ۳ )، بهار ۱۳۸۹
10. Ahmed, A.S., and Duellman, S., (2005), "Evidence on the role of accounting conservatism in corporate governance", On line.
11. Ahmed Kamran, Hasan Tanweer, Karim Waves (2007). "Reliability of Management Earnings forecasts in IPO prospectuses": Evidence from an Emerging Market.
12. Ahmad, A., B. Bilings, R. Morton, and M. Standford - Haris (2002), "the role of accounting conservatism in mitigating bond holder - shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs", the Accounting

13. Altman, E.I. (1968), " Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy". the journal of finance, 23(4).

14. Ball R Shivakumar & L. (2005)., " Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness". Journal of Accounting and Economics 39 Hendriksen, E. S. (1982), "Accounting Theory, 4th ed., Homewood" Irwin Watts, R.L., (2003), b, Conservatism in accounting Part II: evidence and